

کتاب آهنگران

مجموعه خاطرات و نوحه‌های

حاج صادق آهنگران

در سال‌های دفاع مقدس

پژوهش و نگارش: علی اکبری

ویراستار: محمدعلی صمدی

طرح جلد: علی اصغر بهمن‌نیا

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۱

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

ناشر: یا زهرا (سلام‌الله‌علیها)

با تشکر از مؤسسه فرهنگی هنری "کاروان"

سرشناسه : اکبری، علی، ۱۳۵۸ :
عنوان و نام پدیدآور : کتاب آهنگران : مجموعه خاطرات و نوحه‌های
حاج صادق آهنگران در سال‌های دفاع مقدس
پژوهش و نگارش: علی اکبری
تهران : نشر یا زهرا (سلام‌الله‌علیها)، ۱۳۹۱.
۹۲۰ص.
۲-۵۲-۶۲۷۴-۶۰۰-۹۷۸ : ۲۰۰۰۰ ریال
فیا
وضعیت فهرست نویسی :
موضوع : آهنگران، صادق -- خاطرات
موضوع : مدیحه و مدیحه‌سرایی اهل بیت (علیهم‌السلام)
۱۳۹۱ ک ۱۷۵/ف ۴۱۹۳ PIR
۸۴۸/۳۴۲ :
شماره کتابشناسی ملی : ۲۹۵۴۵۰۲

نشانی: تهران، میدان انقلاب اسلامی،
خیابان شهدای ژاندارمری، پاساژ ناشران
کوثر، شماره ۲، انتشارات یا زهرا (سلام‌الله‌علیها)
تلفن: ۶۶۴۶۵۳۷۵ - ۶۶۹۶۲۱۱۶



فهرست

مقدمه	۲۳	من و جنگ و ازدواج	۷۶
سخن مؤلف	۳۱	روزی که اهواز لرزید	۷۹
فصل ۱- خاطرات	۴۱	نقشه خانه‌ام در دست دشمن	۸۰
یا من بخونم یا این بچه	۴۳	خانه‌ی شلوغ پدری در شهر خالی	۸۷
عاشق دزفول و مداحان و سبک‌هایش بودم	۴۴	پاتوق من در سال‌های جنگ	۸۸
سبیلی محکمی که خوردم	۴۵	ماجرای زمین‌دار شدن آهنگران	۸۹
ز دوستی با حسین احساس غرور می‌کردم	۴۶	عتیق بهبهانی	۸۹
دل‌م نیامد آمپلی‌فایر را بگیرم	۴۸	جنگی که در سوسنگرد داشتیم	۹۰
و بهشتی هستی و این جهنمی	۵۰	وقتی «شیرعلی» نوحه‌ام را قطع کرد	۱۰۸
ولین شهید اهواز کنارم افتاد	۵۳	ماجرای طولانی‌ترین سخنرانی بنی‌صدر	۱۱۰
قتی رفتگر شدم	۵۴	جنازه امیر علم را برگرداندیم	۱۱۰
نسین از دستم ناراحت شد	۵۵	سبکی که از شهید مهدوی گرفتم	۱۱۴
بها زخمی که برداشتم	۵۶	وقتی فامیلی‌ام «آهنگران» شد	۱۱۵
کمیته پرستو تا سپاه اهواز	۵۶	با دستور امام مسیر نوحه‌ها را عوض کردم	۱۱۶
حه‌خوانی در کلاس درس	۵۷	تا دو ماه نمی‌خواندم	۱۱۷
واندن من و بازی حسین پناهی	۵۸	از نوحه تکراری استیصال نمی‌شد	۱۱۹
بروع روضه‌خوانی	۶۰	همه جا پر شده یک نفر امام زمان را دیده	۱۲۰
جنگ آغاز شد	۶۰	من و شهید سعید در فغان	۱۲۷
نباط با حبیب‌الله معلمی	۶۱	خرمشهر اشغال شد	۱۲۸
یاد ماندنی‌ترین شب عمرم	۶۲	خرمشهر آزاد شد	۱۳۰
ین اجرا در محضر روح الله	۶۳	در محضر علامه جعفری	۱۳۲
دانی جدید	۶۴	باید بینی‌ات را جراحی کنی	۱۳۳
، آقای معلمی و نوحه‌ها	۶۵	از یک مهلکه‌ی سیاسی خلاص شدم	۱۳۷
کیل هیأت ثارالله	۶۶	وظیفه‌ی تکراری و سنگین	۱۴۰
یق شهادت یا سعادت زنده ماندن	۶۸	موتورم را دزد بُرد	۱۴۲
نیمم گم شده‌ای رودم ای رود	۶۹	نزدیک بود به حاج احمد متوسلین ملحق شوم ...	۱۴۲
س از صحنه‌های غم‌انگیز زندگی‌ام	۷۵	شب به یاد ماندنی عملیات مسلم	۱۴۴

۱۴۶	یه بوس بده تا چیزی نگم	دیدار آقا از خوزستان
۱۴۸	تلاش من برای امر به معروف به بی حجاب	مشنوی‌های بعد از جنگ
۱۴۹	وقتی از پنجره وارد شدم	ماجرای یک شعر
۱۵۱	بر لبه‌ی پرتگاه	شبه‌روز لعنت می‌کنم
۱۵۳	معلمی گفت: لعنت بر من	من و موسیقی
۱۵۵	عراق اعلام کرد بلبل خمینی را گرفتیم	نعمتی که از من سلب نشد
۱۵۸	دیگر حق شرکت در عملیات را نداری	هیأت بن سلون بحرین
۱۶۲	تشکیل ستاد دعا	پدر بزرگم حاج عبدالرضا
۱۶۳	عملیات خیر و لشکر صاحب زمان	فصل ۲- نوحه‌ها و اشعار
۱۶۵	فکر کردم امداد غیبی است	نکاتی پیرامون فصل نوحه‌ها
۱۶۶	ابتکار شهید صیاد شیرازی	بخش اول: نوحه‌ها و اشعار حماسی
۱۶۷	شما فقط بیا بخون	باب جهاد و شهادت
۱۶۸	نوحه سفارشی آقا محسن و عزم من برای شرکت در عملیات	ای شهیدان به خون غلطان خوزستان درود
۱۷۰	در خیابان‌های فاو	آمدن تا کرخه را از خون خود دریا کنم
۱۷۱	نمونه‌ای از کمبودهای عملیات والفجر ۸	ای برادر عازم میدان جنگم
۱۷۲	عجب مادری داشت اسماعیل	خرمشهر خونین
۱۷۳	به سوی گلشن حسینی می‌روم	پاسدارم من و محراب دعا سنگر من
۱۷۴	اصلاً راضی نیستم	این جبهه اسلام است
۱۷۶	من و فرماندهان	پاسداران رزمنده‌ی قهرمان
۱۸۴	وصیت‌نامه علی شمخانی	اسلام اگر بیند خطر
۱۸۵	آقای آهنگران شما دیگر چرا؟	سوی دیار عاشقان
۱۸۶	عملیات کربلای ۴	روز شهد از سر رسید ای نوجوانم
۱۸۷	در جمعه سیاه مکه چه دیدم	من به خلد جاودانه می‌روم
۱۹۱	در سرازیری قطع‌نامه	فضای جبهه حق
۱۹۳	چنین چیزی امکان ندارد!	ای عزیزان بار دیگر شد بپا غوغای محشر
۱۹۸	تمجید آقا از حبیب‌الله معلمی	خالق سبحانم
۲۰۰	و امام‌مان رفت	پاسدار هویزه عزیزم کفنت کو
۲۰۸	بالاخره گریه‌شان را درآوردم	ای خفته در خون سر به خاکت می‌گذارم
۲۰۹	در محضر علما	ای صف شکن عرصه‌ی پیکار شهیدم
		این اربعین دارم پیامی از شهیدان

۳۲۱	کفن بدوز بهر تنم مادرم	۲۷۶	سرباز سرافرازم من
۳۲۲	جان نثار دینم با سپاه توحید	۲۷۷	آیا سرباز گمنامم
۳۲۴	جنگ آست جنگ سرنوشت	۲۷۹	برپا مردان خدا همت کنید
۳۲۵	روان شو به همراه قافله	۲۸۰	بهبهان خون شهیدانت مبارک
۳۲۶	من رهسپار جبهه‌ی خیبرم	۲۸۱	رزمنده‌ی نستوه ما اینک به میدان می‌رود
۳۲۷	ای شب شکاران فجر پیروزی مبارک	۲۸۲	بیا ای مهربان مادر
۳۲۸	دلیران آزاده خبردار و آماده	۲۸۴	بنام خالق سبحان مهیا شو
۳۳۰	لاله‌ی سرخ پریرم	۲۸۵	ای مادر قهرمان شد نوجوانت فدا
۳۳۲	شهیدان عزیزان دمد با گل کربلا یادتان	۲۸۷	السلام ای دیار هویزه
۳۳۳	ای شهیدان غرب و خوزستان	۲۸۸	در سر عشاق خوزستان هوای دیگر است
۳۳۵	دیگر نمی‌بینی مرا مادر	۲۸۹	ای رهگذر بنشین دمی بر خاک خونبارم
۳۳۶	بار دیگر شد بسیجی بی‌شمار	۲۹۱	دشمنان آتش میان خرمن دل‌ها زدند
۳۳۸	عید را با رنگ سرخ لاله‌ها باید گرفت	۲۹۲	مدرسه‌ی پیروز کو نونهالانت
۳۳۹	ای از سفر برگشتگان	۲۹۳	ای دشت لاله خیز مازندران سلام
۳۴۲	گل‌های مفقودالاثر	۲۹۵	عیدتان بادا مبارک
۳۴۳	بنام به مرد خدا شهید	۲۹۸	عید شهیدان بادا مبارک
۳۴۴	ای شهیدان بخون خفته‌ی صحرای بلا	۲۹۹	خاک شهیدان تویی هویزه
۳۴۵	شهید آسوده راحت بمیرد	۳۰۱	یارب شهیدان در شهادت‌ها چه دیدند
۳۴۷	ای مجمع الزار	۳۰۳	لاله‌ی خونین من ای تازه جوانم شهید
۳۴۸	لاله رویان هویزه	۳۰۴	نوغای عاشورا بپا در شهر بستان است
۳۴۹	پاسداران حق	۳۰۶	حظه‌ای فرما درنگ ای امیر قافله
۳۵۱	ای شهید پاسدارم	۳۰۸	الفجر شد آغاز ای گردان حزب الله
۳۵۳	قاصدی باز آمد	۳۰۹	نزد ما در این زمان جنگ و پیکار است
۳۵۴	هویزه هویزه قربان شهیدانت	۳۱۱	ای فاتحان برگشتن از میدان مبارک
۳۵۵	شب حمله شب راز و نیاز است	۳۱۲	نو دین را مصلحت امروز جنگ است
۳۵۷	باید گذشتن از دنیا به آسانی	۳۱۴	یهات من الذله
۳۵۸	رزم‌جویان لطف یزدان یارتان	۳۱۵	نون در جزیره پرچم قرآن بپا شد
۳۵۹	رزمنده‌ی بسیجی	۳۱۶	وز رفتن به میدان جنگ است
۳۶۰	بیا ای مهربان مادر بیا ای قهرمان پرور	۳۱۸	ای حفظ شرف پیش بسوی خلیج
۳۶۲	ما نبرد بی‌امان با خصم بی‌دین می‌کنیم	۳۱۹	ماده‌ی رفتن به میدانم

۴	به کاروان کربلا عنایت از خدا شود	۳۶۳	در راه قرآن سر دهم با جان و با دل
۵	قافله سالار صلا می زند	۳۶۵	شیون مکن مادر در مرگ خونبارم
۶	فاستقم کما امرت	۳۶۶	بیا جبهه بین رزم شیران برادر
۸	بانوای کاروان	۳۶۷	باید به زودی دست بر یک حمله‌ی دیگر زدن
۱	ای عاشقان کربلا حمله‌ای دیگر	۳۶۸	یادی که در دل‌ها هرگز نمی‌میرد
۲	چاووش زوار حسین	۳۷۰	ای برادر بیا کاروان می‌رود
۳	مقصد این راهیان میعادگاه کربلاست	۳۷۱	جانبا ز قرآنیم رو سوی میدانیم
۵	عازم دربار حسین است سپاه محمد	۳۷۲	ذوالفقاری سر زمین افتخاری
۶	ای کاروان که می‌روی شکسته دل به کربلا	۳۷۳	سنگر بازی دراز
۷	این لشکر رزمنده‌ی انصار حسین است	۳۷۴	دست نیرومند حق بازوی قرآنی بسیجی
۱۰	ای کشته‌ی در خون شناور لبیک	۳۷۶	تا آخرین نفر ما ایستاده‌ایم
۱	باید شتابان سوی دشت کربلا رفت		نوحه‌ها و اشعار حماسی
۲	تا حسین تنها نماند	۳۷۹	باب امام حسین صلوات الله علیه و عاشورا
۴	با کاروان کربلا کن بی درنگ عزم سفر	۳۸۰	غرق در خون کربلای ایران است
۵	ای کربلا آماده	۳۸۲	کربلا ای حرم و تربت خونبار حسین
۶	خیل یاران حسین	۳۸۳	با ره‌سپران کربلا
۷	عازم گلزار حسینم	۳۸۵	گلپانگ رفتن
۸	گر عاشقی همراه شو با راهیان کربلا	۳۸۶	ای راهیان کربلا
۱	ای جان به قربانت حسین	۳۸۷	شور حسینی به سرم آمده
۲	ای لشکر حسینی	۳۸۸	من قهرمان کربلای این زمانم
۳	ای شهید ولایت کربلا	۳۸۹	خدا حافظ برادر جان
۴	این لشکر حق عازم کربلاست امشب	۳۹۱	گشته چون کربلا کشور ما
۵	ای که پستی عهد و پیمان با خدا	۳۹۲	آوای لبیک شنیدم
۶	ای دشت شهیدان کربلا خوزستان	۳۹۴	هنوز از کربلایت به گوش آید صلایت
۷	ای جان‌نثاران حسین یار تان	۳۹۶	این سر غرق خون حسین است
۸	ای کربلای خونین ما خیل عاشقانیم	۳۹۸	این دل به سوی کربلا
۱	رزمندگان تا کربلا راهی نمانده	۳۹۹	السلام علیک یا ابا عبدالله
۲	ای در بازویت قدرت ثارالله	۴۰۰	بهر آزادی قدس از کربلا باید گذشت
۳	سوی تو آیم بیا	۴۰۲	کربلا نیروی حق با قدرت ایمان رسید
۴	شیر مردان خدا کربلا در انتظار است	۴۰۳	شور حسین است چه‌ها می‌کند

نوحه‌ها و اشعار حماسی

- ۴۸۷ باب امام زمان عجل الله تعالی فرجه
- ۴۸۸ یاران و انصارت عازم به پیکارند
- ۴۸۹ لشکر صاحب زمان سوی میدان شد روان
- ۴۹۱ آزاده مردان این دلاوراند
- ۴۹۲ ای لشکر صاحب زمان آماده باش
- ۴۹۳ سیدی یک نظر سوی ما کن
- ۴۹۵ لشکر صاحب زمان سوی مولا می‌رود
- ۴۹۶ روز میلادت ای ولی الله
- ۴۹۸ بیا آیا دلاوران
- ۴۹۹ همه آماده بهر عملیات دیگر
- ۵۰۲ راهی جبهه می‌شود لشکر صاحب الزمان
- ۵۰۳ لحظه شماری می‌کند لشکر صاحب الزمان
- ۵۰۴ بیا ای مهدی زهرا
- ۵۰۵ برای دفن شهدا مهدی بیا
- ۵۰۵ شوق دیدار تو دارم یا مهدی ادرکنی
- ## نوحه‌ها و اشعار حماسی
- ۵۰۷ باب امام خمینی رضوان الله تعالی علیه
- ۵۰۸ کشته گشتم من اگر در جبهه ای همسنگرم
- ۵۰۹ امری نما روح خدا
- ۵۱۱ دست دعا بردار مولا جان خمینی
- ۵۱۲ سرباز اسلام خمینی رهبرم
- ۵۱۴ با تو پیمان بسته‌ایم
- ۵۱۵ پیام را بشنو ای رهبر
- ۵۱۶ فرمان رسیده از خمینی رهبر ایمان
- ۵۱۹ ای رهبرم روح خدا
- ۵۲۰ از مقتل شهیدان تا نهضت خمینی
- ۵۲۱ نوبت جانبازی یاران روح الله شده
- ۵۲۲ خمینی را دعا کن
- ۵۲۳ لشکر بیت المقدس را خمینی رهنما شد
- ۴۴۷ حسین برات کربلا می‌دهد
- ۴۴۸ از فلک خون می‌چکد بر فضای بهبهان
- ۴۴۹ شور حسینی است در سینه و سر
- ۴۵۱ این پیام انصار حسین است
- ۴۵۳ بشتابید انصار حسین
- ۴۵۴ این جاست هویزه کربلای ایران
- ۴۵۶ ای کربلای ایران
- ۴۵۷ سپه حق روانه پسوی کربلا شد
- ۴۵۸ رو به سویت ای حسین جان
- ۴۵۹ با راهیان کربلا سنگر به سنگر می‌رویم
- ۴۶۱ کربلا می‌رسم گرد تو پرپر می‌زنم
- ۴۶۲ کاروان الهی بریا
- ۴۶۴ به عشق میر کاروان
- ## نوحه‌ها و اشعار حماسی
- ۴۶۵ باب پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله
- ۴۶۶ این امت اسلامی ایران
- ۴۶۹ عرض ادب مولا رسول الله
- ۴۷۱ یا رسول الله دعا کن خبیری دیگر رسید
- ۴۷۲ مرحبا مرحبا سپاه محمد
- ۴۷۳ یا رحمة للعالمین
- ۴۷۴ با دلاوران لشکر محمد
- ۴۷۶ سپاه محمد به جبهه روان شد
- ## نوحه‌ها و اشعار حماسی
- باب حضرت علی و حضرت زهرا صلوات الله علیهما
- ۴۷۷ همراه سپاهیان حیدر
- ۴۷۸ آماده‌ی پیکارم
- ۴۸۰ یا بنت ختم الانبیا یا زهرا
- ۴۸۲ هر رمز پیروزی بؤد با نام زهرا
- ۴۸۳ سرداران در خون غلتیده
- ۴۸۴

فریاد امت ما لبیک یا امام است	۵۲۵	شهید عزیزم برادر رجایی	۵۶۳
لبیک یا خمینی	۵۲۶	از آسمان معرفت	۵۶۳
بخش دوم: نوحه‌ها و اشعار			
در شهادت سرداران جنگ و شخصیت‌ها	۵۲۷	دقایقی ای حامی قرآن	۵۶۵
مطهری حاصل عمر من بود	۵۲۸	اسوه‌ی شب شکاران حسین خرازی	۵۶۶
استاد مطهری رفت	۵۲۹	تو خرازی سرفراز رشیدی	۵۶۷
بقای باقری مردان ایمان	۵۳۱	کشته‌ی قرآن مهدی زین الدین	۵۶۸
بقایی و باقری ای عزیزان	۵۳۲	فرمانده‌ی جانباز عاشورا	۵۷۰
فرمانده‌ی قوای اول کربلایم	۵۳۳	اسوه‌ی ایمان سلیمی	۵۷۱
ماه خون شد اشرفی	۵۳۵	دیده بگشایید ای شهیدانم	۵۷۲
با روی خونین اشرفی	۵۳۶	سگوندی ای ناصر دین	۵۷۴
در سه جا محراب جمعه	۵۳۸	شهیدم راه خونینت مبارک	۵۷۵
بخش سوم: نوحه‌ها و اشعار			
دستغیب صد پاره شد	۵۴۰	در مقام پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله	۵۷۷
ای نور ایمان دستغیب	۵۴۲	خدایا دیده‌ی گرید دل شکسته	۵۷۸
رنگین ز خون محراب دیگر شده	۵۴۳	تمام لاله‌های پرپر ما	۵۷۹
قاصدی باز آمد از گلزار ایران	۵۴۵	آتش غم	۵۸۱
امت قرآن مردم نالان	۵۴۶	قلب ملت ز ماتم شکسته	۵۸۱
در سال‌روز شهدا روح خدا می‌گرید	۵۴۷	یا رحمة للعالمین یا رحمت الله	۵۸۲
سخت بر یاران گذشت	۵۴۸	به مندا	۵۸۴
سردار خونین جامگان	۵۵۰	پیغمبر اکرم رفت	۵۸۴
مهدی ای مهدی دل‌ها پر از خون شد	۵۵۱	امشب اگر فردا شود	۵۸۶
بهشتی سید مظلوم امت	۵۵۱	فغان زهرا	۵۸۶
حمزه‌ی عصر ما ای مصطفای چمران	۵۵۳	دست من و دامان تو	۵۸۷
بخش چهارم: نوحه‌ها و اشعار			
آه صدوقی کشته شد	۵۵۴	در مقام امیر المؤمنین صلوات الله علیه	۵۸۹
کو یاوران همسنگران حسینم	۵۵۵	واحسرتا مولا امیر المؤمنین رفت	۵۹۰
خاک کردستان مشک تر دارد	۵۵۷	استاد جبریل امین	۵۹۲
مردان حق سوی خدا رفتند	۵۵۸	شب شهادت علی	۵۵۹
صادق ای پاسدار دلاور	۵۵۹	از چه رو در انقلاب است	۵۶۰
خاک غم کن به سر	۵۶۰	جلوه‌ی کبریا علی	۵۶۲
آن رجایی نور حق	۵۶۲		

می شود امشب یتیم	۵۹۷	بنال ای مرغ شب	۶۳۰
الگوی ایمان	۵۹۸	ای انیس و مونس شبهای تارم	۶۳۱
در خانه‌ی علی	۵۹۹	یا فاطمه یا فاطمه یا فاطمه	۶۳۱
بار سفر	۶۰۰	می سوزم و می سازم	۶۳۳
به خدا پیوسته علی	۶۰۲	ای دل شکسته زن شرر به سینه	۶۳۴
مسجد کوفه	۶۰۳	عمرم آمد به پایان	۶۳۵
مولا علی والا	۶۰۴	هنوز از بین دیوار و در	۶۳۶
شهید محراب	۶۰۶	آشیان بوالحسن	۶۳۷
محراب علی	۶۰۷	تربت پاکت کجاست	۶۳۹
وای علی مرتضی	۶۰۸	نور چشمانم بیا	۶۴۱
ناله کن ای دل	۶۰۹	سلام ما به رحمت و به جود تو	۶۴۱
چرخ از این ماتم	۶۱۰	چهره‌ی گلنار زهرا	۶۴۲
بریز ای دیده‌ی تر	۶۱۱	بخش ششم: نوحه‌ها و اشعار	
وای که شد غرق به خون	۶۱۲	در مقام امام حسن صلوات الله علیه	۶۴۵
شام غریبان علی	۶۱۳	ای ماهی دریا برایت گریه کرده	۶۴۶
امشب اگر آید سحر	۶۱۴	وقت هجران رسید	۶۴۷
یا علی مولا	۶۱۵	ای خواهر غم پرورم	۶۴۹
گوهر نایاب	۶۱۶	کشته‌ی زهر جفا	۶۴۹
قصد رفتن	۶۱۷	بخش هفتم: نوحه‌ها و اشعار عاشورایی	
ای حیدر کرار	۶۱۸	باب امام حسین صلوات الله علیه	۶۵۱
تو علی مرتضایی	۶۱۹	ای پیکر عریان بی سر	۶۵۲
بخش پنجم: نوحه‌ها و اشعار		ای راهب دل خسته	۶۵۳
در مقام حضرت زهرا صلوات الله علیها	۶۲۱	من عاشق و دیوانه‌ام	۶۵۵
ای مونس جانم علی	۶۲۲	زمان غرق رنج و ماتم شد	۶۵۷
یا فاطمه سر بردار	۶۲۳	ایا اسب غرق اندر خون	۶۵۸
با علی بگفتا دختر پیمبر	۶۲۴	ای حسین ای غم تو همدم ما	۶۶۰
عود و عنبر سوخته	۶۲۶	شهادت نامه عشاق	۶۶۱
بنشین به بالین سرم	۶۲۷	در یم خون حسین	۶۶۳
رفتی آخر از بر من	۶۲۸	شب پر شور عاشورا	۶۶۴
ای گل بستان من	۶۲۹	صحرای بلا و غم	۶۶۵

۶۹۹	پیکار حق و باطل	۶۶۶	شهید جفا حسین
۷۰۰	کعبه‌ی مقصود عشاق	۶۶۶	حسینم وا حسینم
۷۰۱	آب نایاب	۶۶۷	خواهرا در مرگ من
۷۰۲	قحطی آب بُود به کربلا	۶۶۸	تن به هر ذلت ندهم
۷۰۴	حسین معلم شهادتم من	۶۶۹	ذبح عظیم
۷۰۵	کوی تو دارالشفاست	۶۷۰	ماه غم
۷۰۶	به سوی قتلگاه	۶۷۲	بر لب دریا لب دریادلان
۷۰۷	آمده وقت جدایی	۶۷۲	نهضت گل فام عاشورا
۷۰۹	ای عزیز خدا کشته در کربلا	۶۷۳	یا نارالله و این ناره
۷۱۰	غرق به خون ای تن بی سر	۶۷۴	یا حسین جان ما به قربانت
۷۱۲	قتل حسین بی یاور است	۶۷۵	سوی کربلا بگذر
۷۱۳	حسین غریبم	۶۷۶	السلام ای حامی دین رسول الله
۷۱۴	محرم آمد و عاشورا	۶۷۸	عزا در کربلا برپاست امشب
۷۱۵	عشق حسین	۶۸۰	عزیز مصطفی
۷۱۶	به خیمه‌ها خبر کنید که حسین کشته شده	۶۸۰	ماه خون
۷۱۸	واهی عشقم دیار کربلاست	۶۸۲	ز جور کوفیان الله اکبر
۷۲۰	سرور و سالار دین با فغان گفت ای زمین	۶۸۳	عالم از شور حسین
۷۲۲	کربلا مهمانت می‌رسد از راه	۶۸۴	خوش آمدی به کربلا
۷۲۳	سزار بن جدا	۶۸۵	نیزه شکسته‌ها
۷۲۴	السلام ای تشنه کام کربلا	۶۸۶	شد شب هجران
۷۲۵	رسیده در کربلا موبک سالار دین	۶۸۸	مولای مظلومان
۷۲۷	این آخرین دیدار زینب با حسین است	۶۸۸	موج خون
۷۲۹	درای کاروانی سخت و گداز آید	۶۸۹	ای ز خونت زنده قرآن
۷۳۰	محرم آمد و دارد به لب پیغام عاشورا	۶۹۰	در زوال ظهر عاشورا
۷۳۱	الفوت یابن العسگری	۶۹۲	چراغ خیمه
۷۳۲	کردی سر نی جلوه	۶۹۳	کشته‌ی راه دین خدایی
۷۳۳	شب وداع	۶۹۴	شاه دین گفتا با زینب
	نوحه‌ها و اشعار عاشورایی	۶۹۵	بزم عزا
۷۳۵	باب حضرت زینب صلوات الله علیها	۶۹۶	من به زمین کربلا بهر فدا آمده‌ام
۷۳۶	در کربلا امشب زینب پریشان است	۶۹۸	هیهای من الذله من وارث پیغمبرم

سینه‌ی آزرده ۷۳۷	من قدرتی دیگر به تن ندارم ۷۶۹
کیست زینب ۷۳۸	نوحه‌ها و اشعار عاشورایی
یار مهربان ۷۳۹	باب حضرت علی اکبر علیه السلام ۷۷۱
زینب ای دختر کبرای علی ۷۴۰	علی نور بصرم ۷۷۲
زینب مهربان یار حسین ۷۴۱	بابا خداحافظ که من هم رفتم از دنیا ۷۷۳
پیام آور انقلاب حسین ۷۴۲	یارب این صوت محمد یا صدای اکبر است ۷۷۴
دلبر دلخواهم ۷۴۳	بزن خواهر دست غم بر سر ۷۷۵
محمل میند بر اشتران ۷۴۴	یوسف کنعانم ۷۷۷
مرا باشد قراری با حسینم ۷۴۵	شو جدا از نعل اکبر خواهرم ۷۷۸
زینب ای خواهر مهربانم ۷۴۷	نیش سکوت ۷۷۹
زینب و کوفه ۷۴۸	خفته به خون در برم ۷۸۰
نوحه‌ها و اشعار عاشورایی	رفت علی اکبرم ۷۸۱
باب حضرت ابوالفضل علیه السلام ۷۴۹	علی علی دنیا بعدک الاقا ۷۸۲
ابالفضل با وفا ۷۵۰	اکبر به میدان می‌رود الله اکبر ۷۸۳
میر نام آور ۷۵۱	لاله‌ی خونین پیکر من ۷۸۴
شد علمدارت فدا ۷۵۲	برخیز از جا تا رویت را بوسم بابا ۷۸۵
والله ان قطعتمو یمینی ۷۵۳	نوحه‌ها و اشعار عاشورایی
سپه‌دار کربلا ۷۵۵	باب حضرت علی اصغر علیه السلام ۷۸۷
رزمنده‌ی همسنگرم عباس ۷۵۶	یارب برای قربان ۷۸۸
کرده عزم میدان ۷۵۸	کودک تشنه لب شیرخوار اصغرم ۷۸۹
داد دل ۷۵۸	سرباز شش ماهه ۷۹۱
سقای مایی ای عمو ۷۵۹	ای عندلیب نغمه پردازم ۷۹۲
ابالفضل علمدارم حسین جان ۷۶۰	چه‌چه مزن بلبل ۷۹۳
یا ابا ادرک ابا ۷۶۱	به خیمه‌گه کودکی خفته در خاکه ۷۹۴
عباس دلاور ۷۶۲	ای قوم بی دین اصغرم از تشنگی پر می‌زند ۷۹۵
در عرصه‌ی کربلا فرزند حیدر آمده ۷۶۳	شش ماهه‌ی جانبازم من ۷۹۶
دیده بگشا ای برادر ۷۶۴	بارالها اصغر شیرین زبانم گم شده ۷۹۸
عموی با وفا ابالفضل ۷۶۶	ای غنچه‌ی نشکفته‌ی مادر ۷۹۹
علمدارم برادر جان ۷۶۷	پروانه‌ی کوچک ۸۰۰
کجایی ای علمدارم ۷۶۸	شور عشقت زده بر سر ۸۰۱

۸۳۲	قربانی راه خدا کردم تو را من ای سر	۸۰۲	اصغر تشنه‌ام بابا
۸۳۴	اندر زمین کربلا حرّ دل‌آور آمده	۸۰۳	حسینم عشق رفتن سوی جانانه دارم
۸۳۴	آدم بر آستان سر نهم		نوحه‌ها و اشعار عاشورایی
۸۳۵	حرّ خطا کارم پریشانم		باب حضرت سکینه و حضرت رقیه سلام الله
۸۳۸	مولا حسین بخشنده‌ای بخشا گناهم	۸۰۵	علیهما
۸۳۹	جان آقا توبه کردم	۸۰۶	بابا قربان نمش بی‌سرت
۸۴۰	حرّ خطا کارم یا سیدی مولا	۸۰۷	ای تشنه کام مذبح عطشان
۸۴۱	حرّم و خطا کارم		نوحه‌ها و اشعار عاشورایی
۸۴۲	از حدیث شاه حرّ ابن یزید		باب حضرت قاسم و حضرت عبدالله ابن حسن
۸۴۴	حرّم من از احرار روزگارم	۸۰۹	علیهما السلام
۸۴۶	حرّ دل‌آور آمد حضور زاده‌ی زهراى اطهر	۸۱۰	چه شد از ابر خیمه رخ قاسم نمایان
	نوحه‌ها و اشعار عاشورایی	۸۱۲	از پایگاه عشق و ایمان
۸۴۹	باب اربعین	۸۱۴	من که طوطی صفت از عشق تو اندر سختم
۸۵۰	از اسیری یا حسین با یتیمان آمدم	۸۱۵	عموی با وفايم من آخرین فدايم
۸۵۱	به زینب نظر نما	۸۱۶	ای غرق به خونم قاسم جوونم
۸۵۲	زینب اینک بود بر تو مهمان	۸۱۷	به میدان رفتن تو بر عمویت مشکل است
۸۵۴	قافله‌ای رسیده است	۸۱۸	انا فتحنا لک فتحا مبینا
۸۵۶	آدمم از شام ویران	۸۱۹	تا سرنگون قاسم از صدر زین آمد
۸۵۷	زینب از ظلمت سرای شام آمد کربلا	۸۲۰	قاسم نیکو لقا
۸۵۸	خوش کاروانی اربعین در کربلا رسیده	۸۲۱	قاسم رزمنده‌ام دل ز دنیا کنده‌ام
۸۶۰	به یاد کربلا دل‌ها غمین است	۸۲۲	عمو مگر هرکس یتیم است
۸۶۱	آمد از شام غم کاروان ماتم		نوحه‌ها و اشعار عاشورایی
۸۶۲	شهیدان زنده‌اند الله اکبر		باب حضرت مسلم و دو طفلان مسلم علیه‌السلام
۸۶۳	رسیده قافله‌ی غم	۸۲۵	
۸۶۴	گلی گم کرده‌ام می جویم او را	۸۲۶	ز غم پر کرده ساقی جامم امشب
۸۶۶	شوق دیدار حسین و کربلا دارم بشیر	۸۲۶	در کوچه‌های کوفه سرگردانم امشب
۸۶۶	آمده کاروانی به دشت غاضریه	۸۲۸	طفلان مسلم خون جگر
۸۶۸	فدای خاک قبر اطهرت گردم		نوحه‌ها و اشعار عاشورایی
۸۶۹	سلام من به خاک تربت برادر		باب حضرت حرّ ابن ریاحی و وهب علیه‌السلام
		۸۳۱	

بخش هشتم: نوحه‌ها و اشعار

شام غم شام غریبان ۸۹۶

در زمان جاودانی رهبر دل‌ها خمینی ۸۹۸

شب که در انزوای غریبی ۸۹۹

سایه‌ای پر مهر از سرم کم شد ۹۰۰

نه چراغی نه شمع‌ی همه جا خاموش است ۹۰۱

در عزایت خون ببارد چشم زهرا ۹۰۲

ای جماعت خاک غم بر سر کنید ۹۰۳

ای خدا بر دل‌ها صوری بخش ۹۰۳

ای شهیدان رهبر آمد ۹۰۵

رسیده فصل ماتم سیه بیوش زهرا ۹۰۶

یتیمی گشته نصیبم بابا ۹۰۷

داغ رسولان خدا تازه شد ۹۰۸

بخش دوازدهم: نوحه‌ها و اشعار

ضمائم ۹۰۹

فضا بوی عطر شهیدان گرفت ۹۱۰

شب است و سکوت ۹۱۱

سرزمین نینوا یادش بخیر ۹۱۲

مثنوی شهادت ۹۱۴

شیعه ۹۱۶

در مقام امام سجاد، امام صادق و امام رضا

صلوات الله علیه ۸۷۱

از پی دفن پدر حضرت سجاد آمد ۸۷۲

می‌لرزد از غیرت زمین از قبر زین العابدین ۸۷۳

دانش‌سرای جعفری ماتم‌سرا شد ۸۷۴

ای دل بین بانگ و عزای غربت کیست ۸۷۵

ای دست مهرت بر سرم ۸۷۶

به بالین پسر مرا ۸۷۷

ای هشتمین شمس ولا ۸۷۷

بخش نهم: نوحه‌ها و اشعار مناجاتی

یا غیاث المستغیثین ۸۸۰

با چشم گریان آمدم ۸۸۱

امشب بیا ای دل خدا خدا کن ۸۸۲

استغفرالله ۸۸۳

یارب تو ز حالم با خبری ۸۸۴

خداوندا خداوندا اجابت کن دعای ما ۸۸۵

بخش دهم: نوحه‌ها و اشعار

در مقام حج ۸۸۷

کاروان حج ۸۸۸

زائر من زائر بیت‌الحرام ۸۸۹

گفته‌ها با زائران آشنا دارد بقیع ۸۹۰

دوست دارم جا کنار قبر پینمبر بگیرم ۸۹۱

مکه شد کربلا واولایا ۸۹۲

بخش یازدهم: نوحه‌ها و اشعار

پیرامون رحلت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه

..... ۸۹۳

غرق آوازم و لبلب رفته است ۸۹۴

ای وارث روح خدا کو رهبر و مولای ما ۸۹۴

رسول الله گریان خمینی ۸۹۵

www.ketab.ir

● مقدمه

نکته‌ی اول

هشت سال دفاع مقدس، فصل بلوغ و فروغ نسلی بود که بی‌تردید، بی‌تنفس و حضور در این واقعه به این شکفتن و باروری نمی‌رسید.

در این سال‌های شگفت، در همه قلمروها و ساحت‌ها، انسان‌هایی بزرگ پرورده شدند که در حوزه‌ی فرماندهی، شهیدانی چون دکتر چمران، خرازی، باقری، باکری و صیاد شیرازی و در حوزه ادبیات و هنر نام‌هایی چون شهید آوینی و حاج صادق آهنگران با ذهن و جان و زبان مردم آشنایند.

هنوز و همیشه نمی‌توان از جبهه سخن گفت و به این نام‌ها و یادها نرسید، اما نکته آن است که بسیاری بودند که در این فرصت عزیز و عظیم آمدند و رفتند، برخی را شهادت مجال نداد تا زوایای پنهان توانایی‌هایشان مکتوف شود، برخی را اسارت و جان‌بازی و برخی نیز سقف پروازی فراتر نداشتند و هر چه بود همان بود که بودند و ماندند.

جبهه، تنها فضای معنوی نبود که زمزمه‌ها، سوزها، حال‌ها و قال‌ها و سلوک و سیرت رزمندگان را باعث شود و بذر صدق و صفا و اخلاق در جان‌ها بیفشاند، بلکه موقعیتی نیز بود که به بالندگی معرفت و گشودن پنجره‌هایی تازه برای تماشای

خود، هستی، تاریخ، انسان، جهان و خدا کمک می‌کرد.
 بازکاوی رمز و راز موفقیت آنانی که در جبهه بیشتر درخشیدند و به شخصیت‌هایی مانا و تأثیرگذار تبدیل شدند، برای امروز و فردا لازم است و حاج صادق آهنگران از آن جمله است.

نکته‌ی دوم

آن‌چه حاج صادق را ممتاز و متمایز می‌کند و در جبهه چهره‌ای محبوب از وی می‌سازد - تا آن‌جا که من می‌فهمم و ادراک می‌کنم - فقط صدا و حضور وی در لحظه‌های مقدس نیست، بلکه این بخش «مشهود و مکشوف» اوست، چیزهایی دیگر نیز هست که در حوصله‌ی قلم و بیان نیست و شاید جز اشاراتی اندک، هرگز بر دیگران مکشوف نشود. در باور ما هست که آن سوی صورت و سلوک ظاهری انسان‌های الهی، عنایات و هدایاتی نهفته است که گاه هرگز بر زبان نمی‌آید و آنان که دارندگان چنین تفضلاتی هستند، هرگز به بیان نمی‌آورند و در خوف اینکه ریا و تظاهر شود، فاش و آشکار نمی‌کنند.

قرآن در آیه دهم سوره فاطر به این نکته اشاره دارد که: «إليه يصعد الكلم الطيب و العمل الصالح يرفعه» / کلام طیب صعود و اوج می‌پذیرد و عمل صالح بال پرواز می‌یابد.

و حاج صادق آهنگران محبوب بود و دارای کلام طیب و عمل صالح، همه دوستش می‌دانستند و هرگاه به جبهه قدم می‌گذاشت، در حلقه‌ی رزمندگانی قرار می‌گرفت که او را می‌بوسیدند و به تیمن و تبرک دست بر سر و صورت و لباسش می‌کشیدند و حتی عاشقانه و خاضعانه دل به دعایش می‌سپردند، که شهادت را برای‌شان آرزو کند و این همه فقط در پرتو «صدا» نبود، که چیز دیگری بود از جنس «آن»ی که حافظ می‌گوید. با این همه، ویژگی‌های دیگری نیز بود که او را محبوب می‌ساخت که از آن‌ها گفتن برای همیشه ما ضرورت است.

نکته‌ی سوم

هماهنگی حزن و حماسه یکی از ویژگی‌های ممتاز صدای آهنگران بود. این

خصوصیت دقیقاً نیاز جدی جبهه نیز بود. جبهه هم حماسه داشت و هم حزن و صدایی می‌طلبید که توان تلفیق و ترکیب هم‌زمان، بسامان و متعادل این دو عنصر را دارا باشد. این نمود متناقض‌نما در نوای او منحصر به فرد بود. وقتی به صدای آهنگران حزن و حماسه را توأمان داشت. هم اندوه و سوگ جبهه در غم یاران رفته همراه با طرح سوگ و مرثیه‌ی عاشورا در صدایش نهفته بود و تسلی‌بخش خاطر زخمی و دردمند رزمندگان بود و هم گرما و شور و تندخویی حماسی برای برانگیختن و تشجیع و ترغیب به مبارزه و جهاد.

صدای آهنگران آشتی‌دو عنصر ظاهراً ناهم‌ساز سوز و شور بود، حماسه و حزن هم سرها را به زانوان می‌سپرد تا دمی بگیرد و ابرهای متراکم درون را بیاراند و هم مشت‌ها را گره می‌کرد تا سماع‌گونه، کوبنده و شورانگیز عملیات‌های دشوار را آماده شوند.

جبهه به این دوگانه‌ی یگانه‌نیار داشت و آهنگران پاسخ این عطش‌ناکی بود. با صدای آهنگران هم می‌گریستی و هم شوق برخاستن می‌یافتی. اشک و فریاد، مرثیه و رجز در تلفیقی شگفت در صدای آهنگران تموج داشت. جز استعداد خداداد، خود آهنگران توانسته بود هنرمندانه این امتزاج و تلفیق را در صدا و در خواندن متن‌ها - حتی در ذکر مصیبت‌های پس از نوحه - حفظ کند.

با گذشت سال‌ها از آن روزگاران - علی‌رغم رسیدن به میان‌سالی - هنوز این ویژگی در صدای ایشان محسوس است.

نکته‌ی چهارم

شعر مناسب و متناسب و متن نوحه‌ها و سروده‌هایی که عمده‌اً محصول ذوق و ضمیر شاعر پیر و صافی‌ضمیر و همواره همراه آقای آهنگران، «حبیب‌الله معلمی» بود، چند ویژگی داشت که بر تأثیر آن‌ها می‌افزود:

۱- نخست آن که کاملاً به روز و مطابق با نیاز و موقعیت پیش آمده بود. گاه شعر در حادثه سروده می‌شد یا برای حادثه‌ای که هنوز متولد نشده بود! گاه شاعر را

در اتاق در بسته قرار می‌دادند و رمز عملیات را به او می‌گفتند و او بلافاصله پس از سرودن به دست خواننده - حاج صادق - می‌سپرد و رزمندگان در متن نوحه رجزگونه درمی‌یافتند که رمز عملیات چیست یا حدس می‌زدند که ممکن است چه باشد و حتی چگونه باشد!

۲- شعر، تلفیق حماسه‌ی دفاع مقدس با نمادها و فرهنگ عاشورا بود. مضامین شعر سروده شده، پیوندی بود میان عاشورا و جبهه. حتی گاه نمادهای هر دو حادثه با هم ترکیب و تلفیق می‌شد و رزمندگان که به کربلا عشق می‌ورزیدند و با نام و یاد عاشورا و ابا عبدالله الحسین صلوات الله علیه طوفانی می‌شدند، خود را در «شعر» و با شعر می‌یافتند و در متن آن جاری می‌شدند. این ویژگی در دیگر سروده‌ها کمتر یافت می‌شد.

با مرور «عنوان» چند نوحه و سروده که در سال‌های دفاع مقدس با حنجره گرم حاج صادق خوانده شد و زمزمه‌ی رزمندگان شد، این ویژگی را می‌توان یافت. ای مادر قهرمان، شد نوجوانت فدا برگشته‌ام غرقه خون از جبهه‌ی کربلا

کربلا، کربلا از جبهه آید پیغام به سویت می‌آیند رزمندگان اسلام
وعده‌گاه حزب الله صحن ابا عبدالله

ماه شهیدان، کشته‌ی قرآن از علقمه نظاره‌ای به مرز ایران

تو خرمشهر خونین کربلای عشق و ایمانی به رزمت آفرین به پیکارت درود

این لشکر حق عازم کربلاست امشب رو سوی میدان ارتش روح خداست امشب
۳- سادگی و روانی شعر، آن را آسان و سریع با حافظه‌ها پیوند می‌داد. شعر سروده‌ها، هم‌خوان با ذهن و توان مخاطب‌ها بود. تقریباً مضامین آن را همگان درمی‌یافتند. ازدحام تصویر یا پیچیدگی مضمون در آن نبود. عنوان نوحه کاملاً

با بندها هم‌خوانی داشت، به زبان دیگر فرود هر بند با فراز و برگردان شعر، نوعی جوش خوردگی طبیعی می‌یافت، به گونه‌ای که مخاطب، پایان شعر را از زبان خواننده می‌گرفت و به آغاز بند ترجیع، مرتبط می‌کرد.

شعرها تهی از اشکالات وزنی و لغزش‌های موسیقایی و قافیه‌ای نبود. حتی گاه افق شعریت تنزل می‌یافت و تنها بافتی منظوم احساس می‌شد با این همه، سروده لب‌ها را به همراهی می‌خواند و دل‌ها را با خویش می‌کشاند. نمونه‌هایی از این سروده‌ها را در هم‌خوانی بین عنوان نوحه و متن مرور می‌کنیم:

عشق حسین ما را به این وادی کشانده	رزمندگان تا کربلا راهی نمانده
خیزید از جای شَرزه شیران	شد وقت پیکار خیل دلیران
یاری نماید اسلام و قرآن	رهبر سلام رزم‌جویان را رسانده
عشق حسین ما را به این وادی کشانده	رزمندگان تا کربلا راهی نمانده

عشق کربلا داریم شور نینوا داریم - بر آخرین حمله رو به جبهه‌ها داریم
مانند حسین هستیم چون شیر به میدانیم - تا بر سر پیمانیم ترس از کجا داریم
سرایندگان شعرها عمدتاً از شاعران شاخص نبودند، از مردم بودند و با مردم،
در جبهه بودند و با جبهه‌نشینان، در نتیجه گزارش‌گر بافته‌های خویش بودند،
نه بافته‌های ذهنی و دور از واقعیت جاری در جبهه‌ها، مخاطب‌ها با خواندن شعر
گویی آن را از خود می‌دانستند. شعر مصداق این مصراع بود که «جانا سخن از
زبان ما می‌گویی.»

شبکه‌های ساده تداعی و مراعات نظیر در بندهای شعر، به «حافظه سپردگی»
شعر کمک می‌کرد. همین بود که این اشعار به سادگی زمزمه می‌شد. چه بسیار
شعرها - عمدتاً طنز - بر مبنای شعر نوحه‌ها و سروده‌های خواننده شده حاج
صادق در جبهه سروده شد که گردآوری آن‌ها خود کاری است مستقل و در
صورت تحقق روشن‌کننده گوشه‌ای دیگر از تأثیرگذاری حاج صادق‌آهنگران در
«ذوق انگیزی» رزمندگان خواهد بود.

۴- هم‌خوانی شعر و سبک یکی از رمز و رازهای تأثیرگذاری نوحه‌های آهنگران بود. خلق هم‌زمان سبک و شعر خود به یگانه شدن این دو مقوله کمک می‌کرد. نه تصنع در شعر بود نه در سبک، گویی دو روح بودند در یک تن، دو واقعیت متجلی شده در یک حقیقت. هنر تبدیل کثرت به وحدت را در همین جا می‌توانستیم ببابیم. استعداد فوق‌العاده حاج صادق را باید بر این افزود که گاه فاصله سرودن شعر تا مرحله اجرا به چند دقیقه نمی‌رسید. چرا که جبهه همه چیزش همین بود و بسیجی بودن نوحه در همین بلافاصلگی تولید به مصرف و عرضه کردن بود؛ درست مثل شتایی که در جمع‌آوری نیرو و آمادگی برای عملیات و اقدامات برق‌آسای عملیاتی دیده می‌شد.

در جبهه گاه هم‌بای شاعری که شعر را می‌گفت، آهنگران تمرین می‌کرد و در شعر با شاعران مشارکت و همراهی می‌کرد و چه بسیار سروده‌ها که عین دست‌خط شاعر در دست حاج صادق بود و به مرحله‌ی اجرا می‌رسید. من خود شاهد بوده‌ام که نه تنها در جبهه که در ایام محرم، هم‌پای نوحه‌خوانی حاج صادق، شاعر یا شاعرانی با او حرکت می‌کردند و بندهای جدیدی در حین حرکت! می‌سرودند و به دست ایشان می‌سپردند و حاج صادق به خوبی اجرا و عرضه می‌کرد. این ویژگی با معیارهای اجرای موسیقی سازگار نیست، اما این رفتار به ظاهر نامتعارف، نشان می‌داد همان گونه که در عرصه نظامی، حرکت‌های بسیجی برق‌آسا و عاشقانه هست، در عرصه فرهنگی نیز چنین ویژگی بدیعی سریان و جریان دارد.

نکته‌ی پنجم

حاج صادق آهنگران در صدایش خلاصه نمی‌شد؛ به تعبیر حافظ، «آن» موجود در وجودش، دیگران را بنده طلعتش می‌کرد و این «هنرِ صدایِ درون» آهنگران بود. زیبایی صدای آفاقی (بیرونی) با زیبایی موسیقی روح (زیبای انفسی) در هم آمیخته شده بود. رزمندگان او را نه تنها با خود که «از خود» می‌دانستند. خضوع و خشوع، تواضع و افتادگی، ساده زیستی و هم‌دلی او را محبوب دل‌ها می‌کرد.

این همه آواز و آوازه، حاج صادق را از خودش نگرفت، موریانه غرور به جانش نیفتاد، احساس خود بر تربینی سراغش نیامد و در نتیجه محبوب و مطلوب همگان شد. او همه‌گاه و همه‌جا «دست‌یافتنی» بود، هیچ چیز حصار بین او و دوستان و دوست‌دارانش نمی‌شد، بر همان سفره ساده و بی‌ریای رزمندگان می‌نشست، شب را با آن‌ها می‌گذراند و چه بسیار گره‌ها از کار آنان می‌گشود.

توان حاج صادق، معروف مشکل‌گشایی رزمندگان بود. رزمندگان وقتی او را می‌دیدند می‌گفتند «حاج صادق خودمونه!» همین حس یگانگی و از خودانگاری رزمندگان باعث می‌شد که صدایش را جرعه جرعه بنوشند و با آن زندگی کنند. از کنار کمتر سنگری می‌گذشتی که در خلوت و تنهایی - جز قرآن و دعا - نوحه‌های حاج صادق را رزمه نکنند. این «صدای فراگیر» پیش از پیچیدن در گوش‌ها، در دل‌ها پیچیده بود. گوش دل‌ها آشنای او بود و گرنه بسیار صداها و آهنگ‌ها بود و هست که گوش نواز نیستند.

عکس یادگاری با حاج صادق از جنس عکس‌های یادگاری امروزی نبود. رزمندگان با کسی عکس می‌گرفتند که او را جزو گروهان و گردان و لشکر خود و حتی شهر خود می‌انگاشتند. حاج صادق هم شهری معنوی و روحی همه‌ی بچه‌های جبهه بود.

همین بود که با او درد دل می‌کردند. او را واسطه حل مشکلات خویش قرار می‌دادند و ایمان و اطمینان داشتند که با کمک حاج صادق می‌توان مشکلات را حل کرد.

نکته‌ی ششم

تأثیر ژرف بافت و ساخت نوحه‌ها، آهنگ‌ها، نوع عنوان‌ها و برگردان‌های نوحه‌ها، شکل سروده‌ها، مرثیه‌خوانی‌ها، آغاز و پایان مراسم، خواندن زیارت‌نامه‌ها و ادعیه در سراسر ایران به شدت از شیوه حاج صادق متأثر شد. نوعی «وحدت و هم‌سانی و هماهنگی» در ایران به وجود آمد و باید گفت روش مداحی و ذاکری حاج صادق که از الگوی سوگواری در خوزستان تبعیت می‌کرد، به زودی با ذائقه‌ی همه

استان‌ها جوش خورد و آنان را تحت تأثیر قرار داد. در این جا از تأثیر شیوه‌ی کویتی‌پور و فخری نیز نمی‌توان گذشت، اما حضور دائمی و گسترده آهنگران در جای جای جبهه‌ها، لشکرها و مراسم گوناگون کشوری، نحوه اجرا و شیوه مجلس گردانی او را «فراگیر» ساخت. هنوز هم طنین شیوه او در محافل و مجالس ما جاری و ساری است و هر جا و هر گاه به روش او نوحه و مرثیه و دعا و زیارت اجرا می‌شود، همگان به گذشته نقب می‌زنند و حاج صادق را فرایاد می‌آورند.

حاج صادق، صدای حماسه و عشق و ایمان و سلحشوری است، صدای حریر و شمشیر، صدای شور و سوز و صدایی که نماینده نسلی است که در خون و آتش شکفت و جاودانه شد. صدای او، صدای همه است. صدایی که به جای همه می‌خواند و آیینه روشنی برای مطالعه دیروز و امروز و همیشه است.

محمد رضا سنگری

● سخن مولف^۱

من متولد سال ۱۳۵۸ هستم و نتوانستم فضای جنگ و جبهه را تجربه کنم، اما نوحه‌های آهنگران با پوست و خونم عجین بوده و هست و با شنیدن نوای گرمش در جبهه‌ها، حالم منقلب می‌شود. با این که توفیق حضور در جبهه را نداشتم، اما با جنگ و با صدای او بزرگ شدم و از همان ابتدایی که خداوند درک و شعور را به من عطا کرد، همیشه در خانه «رادیو جبهه» روشن بود و من منتظر خواندن آهنگران.

بعد از سی سال، به دلیل همان علاقه و هم‌چنین ورودم به عرصه‌ی نشر آثار دفاع مقدس، یکی از آمالم انتشار کتابی در ارتباط با آهنگران بود. مدت‌ها مترصد راهی برای پیدا کردن حاج صادق بودم.

«مسلم بیات» آشنایی بود که می‌دانستم به آهنگران نزدیک است و به محفلش راه دارد. شماره‌ی حاج صادق را او به من داد. ضمناً از او خواستم سفارش مخصوص مرا به حاج صادق بکند تا مقدمه‌ی آشنایی‌مان فراهم شود.

مدتی هرچه تماس می‌گرفتم، کسی جواب‌گو نبود و تلفن با صدای حاج صادق روی پیغام‌گیر می‌رفت؛ تا این که در یکی از روزهای شهریور ۱۳۸۸، وقتی سوار

۱- پرداختن به جزییات در این نوشتار، بنا به سفارش استاد بزرگوار علی‌رضا کمری صورت پذیرفت.

شروع کردم. دو - سه ساعتی که گذشت، بنده‌ی خدا وقتی حساب کار دستش آمد که این تو بمیری، از آن تو بمیری‌ها نیست، ادامه صحبت را به منزلش موکول کرد.

فردا میلاد حضرت رسول صلوات‌الله‌علیه بود و تعطیلی، بهترین مجال برای مصاحبه‌ای با فراق بال و خاطری آسوده برای من فراهم نمود. حدود دوازده ساعت پرسیدم و حاج صادق جواب داد. همان روز، صحبت مختصری با همسر حاج صادق و فردا، مصاحبه‌ای هم با مادرش انجام دادم و این شد توشه‌ی من از سفر اهواز.

با اضافه شدن مصاحبه‌های جدید به متن کتاب، شماره‌ی صفحات به عدد ۸۰۰ رسید. از نسخه‌ی جدید، برشته‌ی گرفتم که با صحافی، شکل و رویی آبرومند و هوس‌انگیز هم پیدا کرد. این ماکت دوست‌داشتنی را روز ۲۸ خرداد ۱۳۹۰ در اهواز به دستان حاج صادق سپردم. درخشش چشمانش، هنگام دیدن کتاب، بهترین مزدی بود که گرفتم. و چه کیفی کرد حاجی.

و راستش به نظرم، هیچ‌کس بیشتر از خودم صفا نکرد. چند روزی در اهواز ماندم تا حاج صادق اصلاحات مورد نظرش را در متن وارد کند و برگشتم تهران.

حدود یک هفته بعد، معجزه‌ای اتفاق افتاد. حاج صادقی که همیشه از مصاحبه کردن فرار می‌کرد، به قدری سر ذوق آمده بود که با من تماس گرفت و فهرستی از عناوین خاطرات ناگفته‌اش را برایم خواند. من هم آن‌ها را در برگه‌ای نوشتم تا در فرصت مناسب متن کامل‌شان را از او بگیرم. جالب‌تر این که یک جمله‌ی طلایی هم گفت: «خودم هم شروع کردم به نوشتن خاطراتی که به دهنم می‌آید.» یک ماه بعد - تیر ماه ۱۳۹۰ - به جهت پی‌گیری خاطرات با حاج صادق تماس گرفتم. گفت الان اهواز هستم، فردا عازم مشهدم. گفتم کی تشریف می‌آورید تهران. گفت حالا تا ببینم. بی معطلی گفتم من هم می‌آیم مشهد. شاید باورش نمی‌شد، اما نمی‌دانم چه حالی شد وقتی روز بعد تماس گرفتم و گفتم با اهل و

عیال در راه مشهدم.

خلاصه آخرین بار، در جوار حرم مطهر امام رضا صلوات الله علیه مطابق با همان فهرستی که خودش داده بود، چند ساعتی مصاحبه کردم. یک سررسید هم همراهش بود که نشان می داد پای جمله ی طلایی اش ایستاده. واقعا جای تحسین داشت؛ چهل صفحه خاطره نوشته بود.

از این مقطع تا فروردین ۱۳۹۱، صرف نظر از چند تماس تلفنی، دیگر حاج صادق را ندیدم.

در این فاصله، تصمیم گرفتم فیلم تعدادی از مداحی های حاج صادق را در یک لوح تصویری صمیمه کتاب کنم. برای تهیه ی فیلم اجراهای زمان جنگ، به مراکز مختلفی مراجعه کردم. از مرکز حفظ آثار سپاه گرفته تا مراکز فرهنگی شهرستان ها و صدا و سیما و بنیاد شهید. در این مسیر، با بی مهری های زیادی مواجه شدم. در مرکز حفظ آثار نیروی زمینی سپاه - میقات - پوستم کنده شد تا چند ساعتی فیلم به دست بیاورم.

پس از مراجعاتی به بنیاد شهید و مراکز حفظ آثار سپاه در چند شهرستان، در نهایت توانستم با فیلم هایی که قبلا تهیه کرده بودم، حدود ۴۰ نوحه را در یک لوح تصویری آماده کنم.

آماده کردن این لوح تصویری هم ماجرای داشت. خبر داشتم که «محمدعلی صمدی» کار کردن با نرم افزار تدوین فیلم را بلد است. با او تماس گرفتم و درخواستم را مطرح کردم. با کمال میل پذیرفت. او ارادت عجیبی به حاج صادق دارد و اشتیاق فراوانی برای کمک رسانی به من در مراحل این کار نشان داد.

در اولین جلسه ی تدوین که در دفتر کارم برگزار شد، به این نتیجه رسیدیم که کار را در منزل من ادامه بدهیم. از صمدی خواستم با اهل و عیال، یک روزی میهمان من باشد. صمدی رفت و با خانواده اش برگشت. نشان به آن نشان، کاری که قرار بود یک روزه انجام شود، سه روز و سه شب به طول انجامید و من اجازه ندادم صمدی و خانواده اش از خانه ام خارج شوند.

در این جا لازم می‌دانم از صبر و حوصله‌ی همسر صمدی، بانو «قاسمی» کمال تشکر را داشته باشم که سه شبانه‌روز، حضور مستمر، در منزل من را تاب آورد و ما توانستیم کار لوح تصویری را به سرانجام برسانیم.

بهار ۱۳۹۱، با صمدی، در تهران به دیدن حاج صادق رفتیم تا نسخه‌ی نهایی کتاب را به حضورش ارائه کنیم. این جلسه حدود ۴-۵ ساعت به طول کشید و طی آن، باز هم ایشان اصلاحاتی را در کتاب اعمال کرد و اتفاقاً با اصرار ما راضی شد که برخی حذفیات را با تعدیل و ارائه اسناد تکمیلی به متن برگردانیم. علاوه بر سپاس‌گذاری‌های متواضعانه‌ی حاج صادق در آن جلسه، پسرش، محمدعلی به من گفت: «شما آرزوی سی ساله‌ی خانواده‌ی ما را برآورده کردید.»

آن چه خواندید، گزارشی بود کوتاه از عملیات ۳۰ ماهه‌ای که برای این کتاب انجام شد و حاصل آن، هم اکنون پیش روی شماست. با این همه ادعا نمی‌کنم کاری که انجام داده‌ام کامل و تمام است و به نظرم می‌رسد با چاپ این مجموعه، نواقص و ایراداتی که به این کتاب وارد است، برطرف خواهد شد و همین جا از همه کسانی که به نحوی می‌توانند در تکمیل و تصحیح این کتاب یاری‌ام کنند می‌خواهم که مرا در انجام این مقصود مساعدت نمایند. از خدوند متعال سپاسگذار و شاکرم که توفیق این ثواب را نصیب بنده‌ی سراپا تقصیری چون من کرد. بی‌شک چون منی، لیاقت نوکری و قلم‌زدن به نام ارباب با وفای عشاق، سرور آزادگان و سید شهیدان حضرت آقا اباعبدالله الحسین صلوات‌الله علیه را نداشته و ندارم و از بابت این لطف و رحمت بی‌کران؛ الحمدلله رب العالمین.

در انتها لازم می‌دانم از زحمات دوست گرامی‌ام محمد عامری، دل‌سوزی‌های برادر بسیار عزیزم، محمدعلی صمدی، که با تعصب خاصی طی مراحل مختلف پیشرفت کتاب، در کنارم بود و زحمت ویراستاری خاطرات را متقبل شد، هم‌چنین از مشاوره‌های استاد بی‌نظیر و فرزانه «علی‌رضا کمری» (که آرزو می‌کنم، افتخار جای بردن به محضرشان را داشته‌م) و راه‌نمایی‌های حمید داوودآبادی، مساعدت دکتر محمدرضا سنگری در نوشتن مقدمه کتاب و نیز از کمک و یاری

عزیزان: مسلم بیات، علی اصغر بهمن نیا، علی محمد اسدی، سرکار خانم فاطمه اصفهانی الاصل همسر گرامی حاج صادق، جواد معلمی، رحیم سیاه کار، ناصر قاسمی، سرهنگ حسین باقری، اسماعیل وکیل زاده، ناصر یاری، محمد حسن ژولا، اسماعیل قهرمانی، جواد حیدری، حجت الاسلام شیرمردی، محمد علی و حسین آهنگران، مهدی صمیمی، محسن رنگین کمان، محسن موسوی، عاطفی نسب و تمامی عزیزانی که نامشان در خاطرم نمانده، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم. از خدا می خواهم، بخشی از اجر و ثواب این کار را به همسرم تقدیم نماید که حدود سه سال درگیری بی وقفه من با این کار را تحمل نمود.

اللهم اجعلنی عندک وجیها بالحسین فی الدنیا والاخره

علی اکبری

تابستان ۱۳۹۱